

آیا نام مؤلف مقامات حمیدی عمر بود یا محمود؟

يك استفتاء درباره نام مؤلف مقامات حمیدی

پوهاند عبدالحی حمیدی - کابل

قاضی حمیدالدین بلخی نویسنده مقامات حمیدی، در تاریخ ادبیات فارسی شخصیت معروفیست که درمبحث نثر فنی حتماً از او و کتابش نام برده میشود.

تاکنون نام این نویسنده بارع را در تواریخ ادبیات، عموماً «عمر» نوشته اند. ولی مرا اندرین مطلب سخنهاست و چنین بنظر می آید که در نام و نسب قاضی حمیدالدین بلخی در کتب تاریخ ادبیات و تذکره ها سهوی روی داده باشد.

از فضایل بلخ که صفی الدین ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمد بن داود واعظ بلخی در رمضان سنه ۶۱۰ هـ در بلخ املا و تحریر کرده و در ذیقعد ۶۶۶ هـ در قصبه کفشگران بلخ کتابت و ترجمه شده بود (۱) پدید می آید: که خانواده محمودیان طالقانی در بلخ منصب قاضی القضاتی و مسند علمی داشتند، و از آنجمله قاضی القضاة حسین محمودی، مدتی در بلخ قاضی و حاکم عدل و بعلم و دیانت و زهد مشهور بود، و خاندان ایشان ملوک الکلام بودند.

این قاضی حسین محمودی دو برادر داشت: یکی حسن، و دیگر قاضی القضاة بهاء الملة والدین عمر (۲) که در سنه ۵۳۶ هـ در بلخ قاضی بود، و مراو را پسری عالم فاضل کامل حمیدالدین محمود بوده که در اقالیم عالم در کلام شهرتی تمام داشته است، و کتاب مقامات و کتاب روضة الرضا و رسایل متفرقة او دلیلت بر فصاحت و بلاغت وی. (۳)

مؤلف فضایل بلخ در شرح حال قاضی حسین محمودی گوید: که قاضی القضاة حسین در سنه ۵۰۶ هـ وفات یافته و برادر نو بهار در حظیره محمودی دفن شد (۴). و قراریکه محمد صالح ورسجی در مزارات بلخ مینویسد: برادر کلان قاضی حسن و میانه حسین و خوردتر قاضی عمر بود (۵) در حالیکه در فضایل بلخ اکبرایشان حسین است باز حسن آنگاه عمر. (۶) و ورسجی در مزارات بلخ تاریخ وفات هر دو برادر حسن و حسین را ۵۰۶ هـ نوشته است. از تصریح مؤلفان فضایل بلخ برمی آید که گورستان خاصی بنام «حظیره محمودی» بر

- ۱- مقدمه فضایل بلخ خطی ص ۱۱ ۲- درباره این شخص مؤلف فضایل بلخ مینگارد: سیدزاده ابوالقاسم سمرقندی (یکی از نویسندگان تواریخ بلخ متوفای ۵۵۶ هـ) میفرماید: که من بهاء الدین عمر القاضی را در یافتن بعد از آنکه پیر گشته بود. با آنکه اهل بلخ را فصحاء المعجم گفتندی. او بزرگ رحمة الله افصح الفصحاء البلخ بود و فصحاء و بلغاء بلخ ازین خاندان ایشان بودند. (نسخه خطی لنین گراد ورق ۳۰۴) ۳- فضایل بلخ خطی شیخ شصتم ذکر حسین محمودی ورق ۳۰۳ نسخه خطی لنین گراد ۴- فضایل بلخ ورق ۳۰۴ خطی
- ۵- مزارات بلخ خطی ص ۸۷ ۶- فضایل بلخ ورق ۳۰۳ خطی

دروازه نوبهار بلخ (بقول ورسجی : بیرون دروازه نوبهار) مخصوص این خاندان فضل و دانش و فصاحت و بلاغت بود .

از روی این سند میدانیم که در نزد مردم معاصر در بلخ ، قاضی حمید الدین صاحب مقامات ، محمود نام داشته که پدرش عمر باشد .

اکنون می بینیم که معلومات مادر باره این خاندان علم از روی منابع دیگر بکجا میرسد؟ ابن اثیر (۵۵۵-۶۳۰ هـ) می نویسد : که خاندان محمودی دودمان معروف اهل و فضل و دانش در مرو بود ، که اصلاً طالقانی بودند و از این دودمان دانش ابوسعید عمر (۴۵۷-۵۴۶ هـ) بن علی بن حسین بن احمد بن محمد بن ابوذر (۱) محمودی طالقانی در بلخ قاضی و بقول سمعانی مرد کثیر العباده بود ، که سمعانی ازو در بلخ حدیث شنید . (۲)

شیخ عبدالقادر بن محمد مصری (۶۹۶-۷۷۵ م) که بعد از ابن اثیر میزیسته عین مطالب فوق را بحواله سمعانی نوشته و گوید : که عمر پدر قاضی حمید است (۳) . و همو جای دیگر مینویسد : که قاضی حمید پسر ابوسعید عمر بن علی بن حسین طالقانی محمودی قاضی بلخ باشد . (۴) و محمودی نسبت است به جدایشان که خاندان وی علمای فاضل بوده اند . (۵) و از این برمی آید که از همین خاندان یک نفر قاضی حمید دیگری هم از نسل حسین در حدود ۶۰۰ هـ زندگی داشته است .

درباره اوقات زندگی ابوسعید عمر بن علی در لسان المیزان ابن حجر عسقلانی متوفی ۸۵۲ هـ از سمعانی چنین نقل میشود : که وی از قول عمر بن علی محمودی گوید : که او بر جنازه ابوعلی حسن قاضی القضاة و خشی حضور داشت (۶) . چون این محدث و عالم و خشی در بلخ در ماه ربیع الاخر ۴۷۱ هـ از جهان رفته (۷) پس ظاهر است که در همین سال ابوسعید عمر محمودی بعمر ۱۴ سالگی در بلخ بوده است .

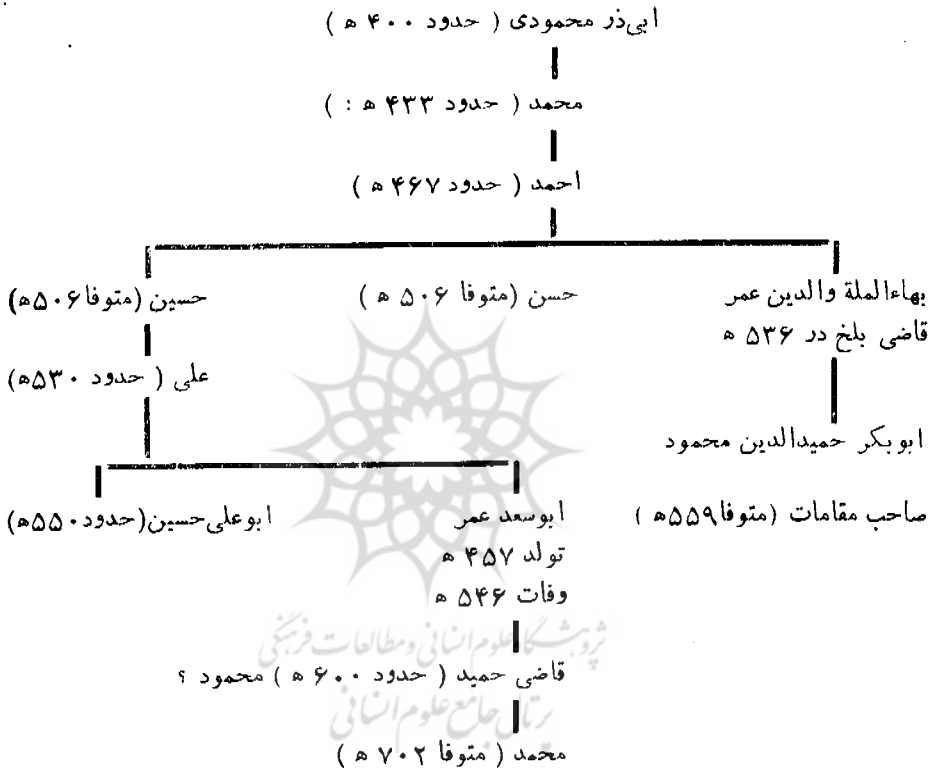
از یک نفر دیگر دودمان محمودی که محمد بن حمید الدین محمود (۴) بن عمر بلخی معروف به محمودی باشد نیز خبری داریم که کتاب الملل والنحل را تألیف کرده و در ۷۰۲ هـ از جهان رفته است . (۸)

همچنین قاضی ابوعلی حسین بن علی محمودی از همین دودمان است که در حدود ۵۴۰ هـ

- ۱- این ابوذر محمودی که در انساب سمعانی و ابن اثیر و جواهر مضیئه سرسله این خاندان شمرده شده غالباً همان امام و مفسر حنفی است که در بخارا قاضی و مفتی بود ، و یکی از متبحران علوم و دارای طریقه مرضیه و سیرت نیکو شمرده میشد و صاحب تفسیر و فتاوی است که شهرت او قاضی ابوذر بود ، و ذکر وی در قنیه المنیه تألیف مختار بن محمود زاهدی زاهدی حنفی (متوفی ۶۵۸ هـ) آمده است که تاریخ مفتیان و قضات باشد . (الجواهر المضیئه ۲/۲۵۲ و الفوائد البهیة ص ۷۳) ۲- اللباب ۳/۱۰۸ و الجواهر ۲/۳۹۳ ۳- الجواهر ۱/۳۹۳
- ۴- الجواهر ۲/۳۶۸ ۵- الجواهر ۲/۳۴۶ ۶- لسان المیزان ۲/۲۴۱
- ۷- فضایل بلخ ۳۹۹ خطی و لسان ۲/۲۴۱ ۸- اسماء المؤلفین ۲/۱۴۱

فقیه عراق محمد بن حسین بن احمد نجاکنی (از حدود شاش = تاشکند کنونی) از وحدیث شنیده بود. (۱)

قراریکه دیده شد: قول مؤلف فضایل بلخ و ابن اثیر و عبدالقادر مصری و ورسجی در وجود خاندان محمودی در بلخ و اینکه اصطلاالقانی بودند یکسانست. ولی ابن اثیر و عبدالقادر شجره نسب خاندان راهم با اخلاف حسین داده است که با ترید معلومات فضایل بلخ و لسان المیزان و مزارات بلخ بشرح ذیل باشد:



مؤلف ملل و نحل

در باره نام قاضی حمیدالدین (مؤلف مقامات) غالباً سهو اول از محمد عوفی سرزده که بعد از و دیگران تقلید کرده اند. وی نام او را عمر بن محمود المحمودی بلخی نوشته ۲ ولی حاجی خلیفه گوید: که مقامات حمیدی را قاضی حمیدالدین ابو بکر بن عمر بن محمود (۳) بلخی در ۵۵۱ هـ ختم کرده است ۳

مرحوم سعید نفیسی این نام را حمیدالدین ابو بکر بن عمر بن محمود بن محمودی

۱- الجواهر ۴۰۲ ۲- لباب الالباب طبع سعید نفیسی ۱۶۸ ۳- کشف

ممدوح انوری ضبط کرده ۱ و معلوم نیست که این نسب نامه را از کجا یافته است ؟ در تعلیقات چهار مقاله که علامه محقق محمد قزوینی نوشته است بار اول ترددی در نام و نسب قاضی حمیدالدین اظهار شده و گوید : « عمر اسم پدر و ابو بکر کنیه او بوده ، و حاجی خلیفه هم فقط به کنیه او اکتفا کرده است و گویا حق با حاجی خلیفه باشد . ۲ »

با وجود این تردد عالمانه مرحوم قزوینی دیده میشود ، که نویسندگان ما بعد درین باره تحقیقی نکرده اند . مثلاً در تاریخ ادبیات دکتر صفاء (۹۵۷۲) حمیدالدین عمر بن محمود بلخی ، و در سبک شناسی مرحوم بهار (۳۲۹۲) حمیدالملة والدین عمر بن محمود المحمودی بلخی و در مجمع الفصحاء طبع مظاہر مصفا (۵۷۳۱) حمیدالدین عمر بن محمود و در راهنمای ادبیات فارسی (ص ۳۶۶) قاضی حمیدالدین عمر بن محمود بلخی چاپ شده است .

انوری شاعر معروف خراسانی را در مدح قاضی حمیدالدین اشعار فراوان است که او را بصراحت از خانواده همین محمودیان مذکور در فضایل بلخ واللباب ابن اثیر دانسته و هم با ایمای لطیفی نام او را محمود و با صراحتی لقب او را حمیدالدین گفته است درین شعر :

هر سخن کان نیست قرآن یا حدیث مصطفی
از مقامات حمیدالدین شد اکنون ترهات

شاد باشای عنصر محمودیان را روح ، تو
رو که تو محمود عصری ما بتان سومنات ۳

اگرچه شاعر نام محمود را با بتان سومنات ستلازم آورده ، ولی او را محمود عصر خویش گوید ، و ازین هم قول صاحب فضایل بلخ که نام او را محمود نوشته تأیید میشود که یک سند معاصر قویست .

اگرچه عروضی سمرقندی در چهار مقاله و سعد و راوینی در دیباچه مرزبان نامه از مقامات حمیدی نام برده اند ، ولی تفصیلی از نام مؤلف آن نداده اند ، و ابن اثیر هم در واقعه وفات حمیدالدین (وقایع ۵۵۹ هـ) فقط او را قاضی ابو بکر المحمودی نامیده است و مینویسد :

« سنه ۵۵۹ هـ : توفی القاضی ابو بکر المحمودی صاحب التصانیف والاشعار وله مقامات بالفارسیة علی نمط مقامات الحریری بالعریبه ۴ »

درینکه برخی مؤلفان سابق ، نیز قول عوفی را نپذیرفته اند ، از روی ضبط حاجی خلیفه و اسماعیل پاشا در اسماء المؤلفین (۲۳۴۱) که ابو بکر بن عمر بن محمود (۴) البلخی حمیدالدین المحمودی نوشته اند ظاهر است .

چون عوفی از بلخ دور افتاده بود ، بنابراین قول او درین مورد نسبت بروایت مقامی خود بلخ ضعیف تر باشد و بنابراین است که هر مان اته نیز با کمال احتیاط اسم او را حمیدالدین

۱ - دیباچه دیوان انوری ۴۰ - ۲ - تعلیقات چهار مقاله ۲۳ - ۳ - دیوان
انوری طبع سعید نفیسی ۳۳۵ - ۴ - الکامل ابن اثیر ۱۴۱۰۲۲۸۱۱

ابوبکر بلخی میبرد ۱ و از قول عوفی اعراض نماید .
 پس با در نظر گرفتن روایات سابق، باید نام مؤلف مقامات حمیدی را **ابوبکر محمود**
 ملقب به **حمیدالدین محمودی بلخی** بن عمر بن احمد بن محمد بن ابوذر محمودی دانست
 و من نظر متعلمانه خود را درین باره بقید احتیاط بمحضر شریف دانشمندان و اساتید تقدیم
 داشتم والله اعلم بحقایق الامور . و اگر درین مورد نظری و تحقیقی صائب تر و مقارنتر به حقیقت
 باشد که قول عوفی را تایید نماید شنیدنیست .

تمناست اساتید محقق بوسیله مجله شریف ینما بدین طالب علم ابلاغ فرمایند .
 چون درین روزها کتاب فضایل بلخ از روی سه نسخه خطی برای طبع آماده و تعلیق
 و تحشیه و تحقیق میشود ، و این مطالب را در حواشی آن تعلیق کرده ام ، اگر تحقیقی مزید
 و شافی و کافی دیگری نشر گردد، آنرا با حفظ امانت ادبی ، بنام خود آن محقق گرامی در
 تعلیقات کتاب جای خواهم داد .

مجله ینما: موضوعی است بسیار جالب . از محققان توقع اظهار نظر دارد .

۱- تاریخ ادبیات فارسی ۴۵

رمضان

رمضان است بیا تا قدحی نوش کنیم
 زهد و طامات باصحاب ریا بگذاریم
 گوش بر گفته بیهوده زاهد جهل است
 سوختیم از غم هجران قدحی ده ساقی
 بیشتر زانکه فتد از سر ما جوش مدام
 نبود در شمر عمر شبی گر تا صبح
 سر نهادیم بقرمان تو در روز است
 طعنه بر ما مزین ایشیخ که ما درد کشان
 دوش یکتا بحر یغان ز سر مستی گفت

مجمید اوحدی - یکتا